

## ارزیابی عملکرد "کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی"

اکنون که حدود هشت سال از آغاز تلاشهای معطوف به ایجاد "اتحاد عمل پایدار سیاسی" و چهار سال از اعلام موجودیت آن (اردیبهشت ۱۳۷۷) و تشکیل "کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی" سپری می‌شود، ارائه یک ارزیابی واقعی از عملکرد آن، و تصمیم‌گیری راجع به آینده آن، ضروری به نظر می‌رسد.

چنان که رفقا به خاطر دارند، این موضوع در کنگره قبلی سازمان نیز (در چارچوب نقد عملکرد سازمان) مورد بحث قرار گرفت. ولی از آنجا که در این باره تدارک کافی نشده و مباحث دیگر کنگره نیز اهمیت و اولویت بیشتری یافته بود، بحث پیرامون این موضوع به نتیجه روشن و مشخصی نینجامید. پس از کنگره و به دنبال بررسیها و تصمیماتی که در جلسات کمیته مرکزی و کمیسیون روابط عمومی سازمان انجام گرفت، مقرر شد که سازمان ما، در حد امکانات خود، بیشترین تلاش را برای خارج کردن این "کمیته" از رکود، فعال ساختن و گسترش آن به عمل آورد و ارزیابی خود در مورد آن را به بعد از صرف این تلاشها و جلب نظر و توافق دو جریان دیگر عضو "کمیته" در زمینه به حرکت درآوردن آن، موکول نماید. در این رابطه، علاوه بر اعلام آمادگی سازمان، و پیگیری مستمر فعالیتهای "کمیته" در سطح کمیته مرکزی، هیئت اجرایی و کمیسیون روابط عمومی، طرحهای مشخصی هم راجع به چگونگی گسترش این "کمیته" و جلب جریانات، شخصیتها و افراد دیگر به آن و تنظیم مناسبات درونی آن، تهیه و به دیگر جریانات عضو ارائه شد.

طی دو سال گذشته، در اثر این پیگیریها و همچنین تغییرات مثبت محسوسی که در نحوه برخورد و همکاری سایر جریانات عضو در مورد این "کمیته" مشاهده می‌شد، از رکود شدید گریبانگیر "کمیته" کاسته شد و فعالیتهای آن نسبتاً افزایش یافت. در این دوره، که تشکیل کمیته‌های کشوری "کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی"، بر پایه توافق مشترک سه جریان، به صورت محور عمده گسترش فعالیتهای این "کمیته" درآمده بود، علاوه بر کانادا، در سه کشور دیگر هم کمیته‌هایی ایجاد شد. صدور اعلامیه در مورد رویدادها و یا به مناسبتهای گوناگون، از جانب "کمیته" بیشتر شد. دو سمینار (پیرامون انتخابات دوم خرداد ۱۳۸۰) در سه کشور از سوی کمیته‌های کشوری برگزار گردید. یک حرکت اعتراضی در رابطه با سرکوبگریهای رژیم، توسط نیروهای سه جریان در چند کشور سازماندهی و در هشتم دسامبر ۲۰۰۱ در "کلن" انجام شد.

در جریان دیدار رهبری سه جریان، در حدود یک سال پیش، که موضوع "کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی" هم به تفصیل بحث و طی آن، نظرات، انتقادات و پیشنهادهاى مختلف نیز مطرح شد، ضمن تأیید و تأکید بر طرح و تبلیغ پلاتفرم "کمیته"، نهایتاً سه مسئله به عنوان وظایف اصلی "کمیته" در این مرحله، برای پیگیری و انجام تعیین گردید: تأکید بر گسترش "کمیته" از طریق جلب سازمانها و احزاب (و نه فعلاً شخصیتها) و بررسی موردی جریاناتی که امکان پیوستن آنها به "کمیته" وجود دارد. گسترش فعالیتهای خود "کمیته"، بررسی نیازهای مالی و پرسنلی آن، ارزیابی عملکرد "کمیته" طی این سال و یا در چهار سال گذشته، از طرف خود "کمیته" تاکنون ارائه نشده است. اما چنان که پیداست، بجز مورد گسترش نسبی فعالیتهای "کمیته" که فوقاً اشاره شد، در بقیه موارد، این "کمیته" عملاً نتوانسته است کاری پیش ببرد. به علاوه، بحث و جدل پیرامون مسایل این "کمیته" هم تا به حال محدود به درون و یا میان جریانات تشکیل دهنده آن بوده و هنوز، در سطح جنبش، مطرح نشده است.

در هر حال، با وجود همه کوششهایی که در این زمینه، بویژه در دو سال اخیر، صورت گرفته و با وجود آن که این "اتحاد عمل پایدار سیاسی" به افزایش تفاهم میان سه جریان کمک کرده است، این "کمیته" در تحقق مقاصد اصلی مورد نظر، یعنی شناساندن و تبدیل "کمیته" به یک نهاد سیاسی مؤثر در میان نیروهای اپوزیسیون، جلب همکاری و مشارکت سایر نیروهای چپ و دموکراتیک، و نهایتاً حرکت در جهت ایجاد هسته اولیه‌ای از آلترناتیو دموکراتیک - انقلابی در مقابل رژیم، ناکام مانده است.

این "کمیته" طی چهار سال حیات رسمی و بیرونی خود، جدا از سه جریان تشکیل دهنده آن، نتوانسته است نیروهای دیگری اعم از سازمانها و شخصیتهای سیاسی را به همکاری و تشریک مساعی جلب کرده و در مجموع نیروی نسبتاً قابل توجهی را در میان اپوزیسیون دموکراتیک و ترقیخواه تشکیل دهد. چنان که نه تنها سایر جریانات، بلکه حتی بخشی از اعضاء و هواداران سه جریان هم، موجودیت و فعالیت آن را جدی نگرفته‌اند. رسانه‌های جمعی هم، عملاً آن را نادیده گرفته‌اند. تنها راه برونرفت از این تنگنا، گشودن این جمع بسته و جلب و جذب نیروهای دیگر به این "کمیته" بوده است. یعنی هم برای رفع یا تعدیل و تخفیف تناقضات درونی گریبانگیر "کمیته" و هم به منظور افزایش اهمیت، ثقل و تأثیرگذاری آن در بین مجموعه اپوزیسیون و نهایتاً در تحولات داخل کشور، می‌بایست برای گسترش آن اقدام کرد که بعد از تلاشهای اولیه ۵-۶ سال پیش، متأسفانه این کار هیچگاه به صورت جدی دنبال نگردید.

گسترش نسبی فعالیتهای خود "کمیته" در دو سال گذشته نیز، که به نوبه خود ضروری و مفید بوده، نتوانسته است تغییر قابل ملاحظه‌ای در رفع آن تنگنای اساسی پدید آورد. تشکیل کمیته‌های کشوری که اقدامی لازم برای پیشبرد فعالیتهای در مناطق مختلف بوده است، نمی‌توانست در آن مورد چاره‌ساز باشد. زیرا که تشکیل این کمیته‌ها در هر جا، حداکثر می‌توانست نیروهای سه جریان را در همانجا بسیج نماید. در حالی که مقصود از گسترش "کمیته" آن بوده که سایر نیروها را نیز به همکاری و مبارزه مشترک بکشاند. (از سازمان ما انتقاد شده که در برخی از کشورها، رفقای ما تلاش لازم را برای تشکیل و یا فعال کردن کمیته کشوری مربوطه به عمل نیاورده‌اند. این انتقاد بجاست اما این نیز واقعیت دارد که هرگاه "کمیته" مورد بحث از چشم‌انداز بهتری برخوردار می‌بود، رفقای ما هم تلاشهای بیشتری در مورد کمیته‌های کشوری یا دیگر فعالیتهای "کمیته" انجام می‌دادند).

انتشار اعلامیه‌های بیشتر از جانب "کمیته" در این دوره مفید بوده است ولی این کار کمک زیادی به شناساندن و تقویت مشی و هویت سیاسی خود "کمیته" نکرده است. زیرا که جدا از این مسئله که هنوز بعد از چند سال، در ذیل اعلامیه‌ها، علاوه بر عنوان و امضای "کمیته" باید اسامی جریانات تشکیل دهنده آن را هم ردیف کرد، این مسئله همچنان باقیست که در اغلب موارد، حتی در مواردی که مواضع سه جریان کاملاً نزدیک به هم بوده است، هر کدام از آنها جداگانه، و چه بسا پیش از صدور اعلامیه "کمیته" مبادرت به انتشار اعلامیه‌های خود کرده‌اند. آیا این مسئله، خود نشانه‌ای از آن نیست که همه یا اکثریت این جریانات، "کمیته" را جدی نگرفته و یا از آن قطع امید کرده‌اند؟

دلایل گوناگون رکود و عدم موفقیت "کمیته" بارها در سازمان ما مورد بحث و بررسی واقع شده است که در اینجا نیازی به شرح مجدد آنها نیست. عمده دلایل ناکامی آن را می‌توان، به اختصار، به ترتیب زیر یادآوری کرد:

- جریانات تشکیل دهنده این "کمیته"، برداشتهای متفاوت و حتی متناقضی نسبت به این "کمیته" و آینده آن دارند و این مسئله، همچنان به عنوان مشکل اصلی باقی مانده است (مثلاً از دیدگاه سازمان راه کارگر، که در درون آن هم نسبت به این موضوع اختلاف نظر وجود دارد، بودن "کمیته" به این شکل، مفید و بهتر از نبودن آنست، ولی گسترش "کمیته" می‌تواند برای آن تناقض‌آفرین و مسئله‌ساز باشد. از نظر حزب دموکرات کردستان، با توجه به موقعیت و ترکیب آن، این "کمیته" هم یکی از دهها زمینه فعالیت و اولویت آن در حزب بشمار می‌آید. از دیدگاه سازمان ما، طبق مصوبه کنگره چهار سال پیش، این "کمیته" حلقه اصلی سیاست ائتلافی ما با نیروهای چپ و دموکراتیک را تشکیل می‌دهد. از همین رو نیز مسایل مربوط به "کمیته" تقریباً در تمامی نشستهای کمیته مرکزی مطرح گردیده و بیشترین وقت و انرژی کمیسیون روابط عمومی را هم به خود اختصاص داده است).

- تشکیل، معرفی و شناساندن "کمیته" با فعالیتهای تبلیغی و سیاسی ضروری همراه نبوده است.

- "کمیته" در سازماندهی اقدامات و حرکتهای سیاسی مستقل با اتکاء به نیروهای خودش، ناتوان و ناپیگیر بوده است (تاکنون تنها ۳ مورد از اینگونه حرکتها برگزار شده است: آوریل ۱۹۹۷ در لوکزامبورگ، تابستان ۱۹۹۹ در بن، و دسامبر ۲۰۰۱ در کلن).

- تحولات سیاسی در داخل، در ۵-۴ سال گذشته، با دامن زدن به اختلاف و تشتت آرای بیشتر در درون جریانات و در بین جریانات مختلف، و در میان نیروهای اپوزیسیون بطور کلی، به نوبه خود، به رکود و ناکامی این "کمیته"، خصوصاً در مرحله آغاز فعالیتهای آن، کمک کرده است. باید افزود که رویدادهای یکی دو ساله اخیر و مشخص‌تر شدن صف بندیهای سیاسی، آن روند را تا اندازه‌ای خنثی و حتی معکوس کرده و گرایش به همکاری را تقویت نموده است. اما "کمیته" که به دلایل برشمرده در بالا، از ابتدا زمینگیر شده بوده، متأسفانه در دوره اخیر هم نتوانسته است از این گرایش اخیر، در جهت توسعه خود بهره‌گیری نماید. ادامه حیات و حضور مؤثر "کمیته"، بیش از هر چیز، در گرو گسترش آن و جلب نیروهای دیگر بوده، که تاکنون نیز قادر به انجام آن نشده است.

**جمع‌بندی:** "کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی"، با وجود تلاشهای تاکنونی جریانات تشکیل دهنده آن، در تحقق اهداف اصلی خود با شکست روبرو شده است. با توجه به ضرورت و اهمیت فزاینده همکاری گسترده بین نیروهای چپ و دموکرات، سازمان ما نمی‌تواند همچنان خود را در این طرح ناکام محصور ساخته و بیشترین توان و تلاش خود را صرف آن نماید. "کمیته" مورد بحث، تنها شکل و ترکیب ممکن همکاری نیست و اشکال دیگری از همکاری بین آن نیروها وجود دارد. سازمان ما باید طرح یا شکل دیگری از همکاریهای دموکراتیک را که متناسب با مقتضیات جنبشهای اجتماعی در جامعه و مطابق با اهداف و سیاستهای عمومی سازمان باشد، مطرح ساخته و، در وهله نخست، با جلب نظر و توافق سایر جریانات عضو "کمیته"، و دیگر نیروهای دموکرات، در جهت تحقق عملی آن بکوشد.

بهنام - بهروز - رئوف - آزاد